فَشِن

ربکا آرنولد

ترجمهٔ منظر محمدی

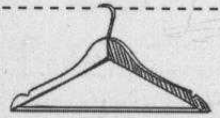

دیزاینِ مشکی / ۸

www.ketab.ir

فشن

ربکا آرنولد

ترجمهٔ منظر محمدی

لیتوگرافی و چاپ: آرتا / صحافی: فرانگر

چاپ نخست ۱۳۹۷. شمارگان ۵۰۰

نشر مشکی . تهران ۹۸ ۰۰ ۶۸ ۷۷

www.meshkipublication.com

info@meshkipublication.com

meshkipublication

همهٔ حقوق برای ناشر محفوظ است. تکثیر یا تولید همه یا بخشی از کتاب به‌هرصورت (انتشار الکترونیکی، کپی، فتوکپی، تصویر، صوت) بدون اجازهٔ کتبی ناشر ممنوع است.

شابک: ۵-۸-۹۸۴۳۹-۶۰۰-۹۷۸

شماره کتابشناسی ملی: ۵۳۷۸۱۱۴

عنوان و نام پدیدآور: فشن/ ربکا آرنولد؛ ترجمهٔ منظر محمدی

مشخصات نشر: تهران: نشر مشکی، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: ۲۰۸ ص.: مصور؛ ۱۴٫۵×۱۹٫۵ س‌م.

یادداشت: عنوان اصلی: Fashion : a very short introduction, 2009.

موضوع: مد

موضوع: Fashion

موضوع: مد-تاریخ

موضوع: Fashion - History

موضوع: پوشاک - صنعت و تجارت

موضوع: Clothing trade

موضوع: طراحی لباس

موضوع: Fashion design

رده بندی دیویی: ۳۹۱

رده بندی کنگره: ۱۳۹۷ ۵ف۲آ/TT۵۰۷

سرشناسه: آرنولد، ربکا

Arnold, Rebecca

شناسه افزوده: محمدی، منظر، ۱۳۵۶-، مترجم

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

www.ketab.ir

فهرست

مقدمه ۹

۱| دیزاینرها ۱۹

۲| هنر ۴۷

۳| صنعت ۷۳

۴| خرید ۹۹

۵| اخلاقیات ۱۲۵

۶| بهانه‌سازی ۱۵۳

نتیجه‌گیری ۱۷۹

یادداشت‌ها ۱۸۷

نام‌نامه ۱۹۷

www.ketab.ir

مقدمه

«میوزهای درخشان» در هفتهٔ مُد آنتورپ، سال ۲۰۰۵، نمایشگاه نوآورانه‌ای بود از جودیث کلارک که در آن ترکیبی جالب و نامعمول از لباس‌های قدیمی و جدید به‌نمایش درآمده بود. دکور نمایشگاه شبیه بازارهای نمایشگاهی سدهٔ نوزدهم دیزاین شده بود، با داربست‌های سادهٔ چوبی که آدم را یاد چرخ‌وفلک‌های قدیمی می‌انداخت و دیزاین‌های بزرگ و سیاه‌وسفید فشن از روبن تولدو که به‌سهم خود فضای سحرآمیز و نمایشی نمایشگاه را تقویت می‌کرد. این نمایشگاه به خصلت هیجان‌انگیزی و نمایشی فشن اشاره داشت. ترکیبی بود از لباس‌های عجیب‌وغریبی از جان گالیانو و الکساندر مک‌کوئین به‌همراه آثاری از کوتورِ بینِ دو جنگ جهانی مثل «پیراهن اسکلتی» السا اسکاپارلی که پیراهنی بود با برآمدگی‌هایی مثل اسکلت بدن. پیراهن شب پُرجلوه‌ای هم از کریستین دیور، مربوط به دههٔ ۱۹۵۰، به‌نمایش درآمده بود از جنس تافته‌ابریشم با بالاتنهٔ کرستی و دامن دنباله‌داری که با پاپیونی در پشت جمع شده بود و همچنین پیراهن تابستانی لطیفی از ململ سفید که در اواخر سدهٔ نوزدهم در هند درست شده بود

www.ketab.ir

و سوزن‌دوزی سنتی زنجیره‌ای داشت. لباسی با نقوش چاپی تند و خوش‌رنگ و پولک‌های براق از دیزاینرِ بلژیکی، دریس فان نوتن، از اواخر دههٔ ۱۹۹۰، در کنار لباس رنگارنگی از کارهای دههٔ ۱۹۸۰ کریستین لاکروا نمایش داده شده بود. این ترکیبِ بی‌ربط به‌کمک دکورهای هوشمندانه‌ای که کلارک دیزاین کرده بود به‌خوبی به‌فهم درمی‌آمد، چون دکورها براساس ارجاعات تاریخیِ مختلفِ فشن ساخته شده بودند. صحنه‌سازی نمایشیِ فضا به نمایش‌های کمدیادل‌آرته و بالا سکن‌های سده‌هجدهمی شبیه بود و اشارهٔ مستقیمی داشت به کاربست عناصر دراماتیک و اغراق‌کاری‌های بصری در شوهای فصلیِ دیزاینرهای فشنِ معاصر.

«میوزهای دژخیم» مدتی بعد در موزهٔ ویکتوریا و آلبرت لندن به‌نمایش درآمد و در آنجا نامش به «اشباح: آنگاه که فشن بازمی‌گردد» تغییر یافت. نامِ جدید بیانگر یکی از تناقضات نهفته در ذات فشن بود: فشن دغدغهٔ اصلی‌اش نوبودن است، اما پیوسته به گذشته رو می‌کند. کلارک این تناقض مهم را به‌خوبی به‌نمایش گذاشت: بازدیدکنندگان را به‌سویی سوق می‌داد که دربارهٔ تاریخ غنیِ فشن بیندیشند و، از رهگذر آن، مسائل امروز فشن را دریابند. این کار را با کنار هم گذاشتن لباس‌هایی از دوران‌های مختلف انجام داد که همه ویژگی‌های مشابهی در ساخت یا نقوش یا محتوا داشتند. موفقیت این نمایشگاه هم در گرو مدیونِ همکاری نزدیک کلارک با مورّخ و نظریه‌پرداز فشن، کارولین اوانز بود. کلارک، به‌مدد مفاهیم مهمی که اوانز در کتاب *فشن بر مرز: نمایش، مدرنیته، و نوگرایی* (۲۰۰۳) دربارهٔ فشن و تاریخ مطرح کرده بود، در نمایشگاهش انگیزش‌های پنهان فشن را آشکار ساخت. اوانز در کتابش نشان داده که چگونه فشن همواره در

عکسی از نمایشگاه «میوزهای دذ...م»، د... مُد آنتورپ، در سال ۲۰۰۵، با دیزاین و کیوریتوری جودیث کلارک

تسخیرِ تأثراتی از گذشته است، همان‌گونه که فرهنگ به‌طورکلی چنین است.

ارجاع به‌گذشته ممکن است به طرحی جدید و بدعتانه اعتبار ببخشد و آن را تداعی‌گر کمال مطلوبی در گذشته کند. حتی در ذائقه‌ی هنرهای قدیمی هم همواره ردی از ارجاع به‌گذشته نمایان بود، مثلاً در پیله‌های فاخر و پیراهنی از مادام گره که در همین نمایشگاه به‌نمایش درآمده بود و منبع الهامش لباس کلاسیک [یونان] باستان بود. فشن حتی ممکن است حاکی از وحشت ما از مرگ باشد، چراکه همواره در جست‌وجوی جوانی و نوبودن است، آن‌گونه که در پیراهن سراسرسیاه و گوتیک مآبانهٔ دو دیزاینر هلندی، ویکتور و رالف، در این نمایشگاه مجسم می‌شد.

به‌این‌ترتیب، بازدیدکنندگان نه‌تنها می‌توانستند جنبه‌های تصویری و مادیِ

www.ketab.ir

بازگشت فشن به تاریخ را ببینند، ازطریق توضیحات کوتاهی هم که به‌نحوی بازیگوشانه در کنار آثار نصب شده بود ترغیب می‌شدند در معانی عمیق‌تر این لباس‌ها غور کنند. همسو با حال‌وهوای بازارگونهٔ نمایشگاه، چند بازی خطای‌دید به‌کمک آینه ترتیب داده شده بود، طوری‌که انگار وقتی از سوراخ چشمی‌ها نگاه می‌کردید لباس‌ها ظاهر و بعد ناپدید می‌شدند یا تصویرشان بزرگ یا کوچک می‌شد و، به‌این‌ترتیب، بینندگان مجبور بودند با آنچه بدان نگاه می‌کردند درگیر شوند و در آنچه گمان می‌کردند می‌توانند ببینند تردید کنند.

بینندگان وارد می‌شدند به معنی «فشن» بیندیشند: برخلاف «پوشاک» که اغلب صورتی ایستاتر و کارکردی‌تر از لباس قلمداد می‌شود که به‌تدریج تغییر می‌کند، ماهیتِ «فشن» بدعت و تغییر است؛ در این نمایشگاه، تغییرات فصلی و چرخشیِ سبک‌های فشن به‌طرحی دایره‌وار از تولدو، که چرخش بی‌پایان تغییرات فُرمی فشن را نشان می‌داد، مجسم شده بود. فشن همچنین اغلب «ارزشی» افزوده بر پوشاک تلقی شد که لباس را در چشم مصرف‌کننده مقبول می‌کند؛ جلوهٔ پُرشکوه و دراماتیکِ فضای این نمایشگاه هم بازتاب شیوه‌های اغواگری و فریبندگی شوهای کَت‌واک و تبلیغات و عکاسی فشن بود که همواره تصویری آرمانی از لباس را به مخاطب نشان می‌دهند. به‌همین‌ترتیب، فشن ممکن است پدیده‌ای یک‌ریخت‌کننده باشد که همسان‌سازی می‌کند مثل هم لباس بپوشند و، درهمان‌حال، در جست‌وجوی فردیت و متمایز باشند؛ تضاد رویکردهای استبدادی نظامِ کوتور در میانهٔ سدهٔ بیستم ــ مثلاً در لباس‌های دیور تجسم می‌یافت ــ با تکثرمُدهای دههٔ ۱۹۹۰ نیز از نکاتی بود که در این نمایشگاه به آن اشاره شده بود.